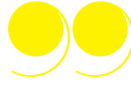


علی صفایی حائری که با عنوان عین‌صاد مشهور است، از کسانی است که به بررسی نهج‌البلاغه با محوریت مشکلات زمان آن حضرت پرداخته است



این تاریخ است که شوخی‌هایش را تمام نمی‌کند انگار

یزدانی خرم و اثری که شایسته تحسین است

الهام اشرفی نویسنده

از رسم‌الخط عجیب مهدی یزدانی خرم در کیشن نویسی‌هایش که بگذریم، از سمت و سو گرفتن‌های متنوع نسبت به شخصیت‌های سیاسی اجتماعی نیز که بگذریم و از معرفی کردن‌های اغراق آمیز نسبت به کتابی که وقتی بر پایه معرفی او تهیه می‌کنی و می‌بینی چندان ندان‌گیر هم نبود که بگذریم، «خون‌خورده» هم یک اثر شایسته تحسین است؛ هم به لحاظ نثر و تکنیک‌های ادبی (به خصوص در استفاده‌های شگفت‌انگیز و هوشمندانه‌اش از پل تداعی) و هم به لحاظ تم و درونمایه‌ای که یزدانی خرم انتخاب کرده است.

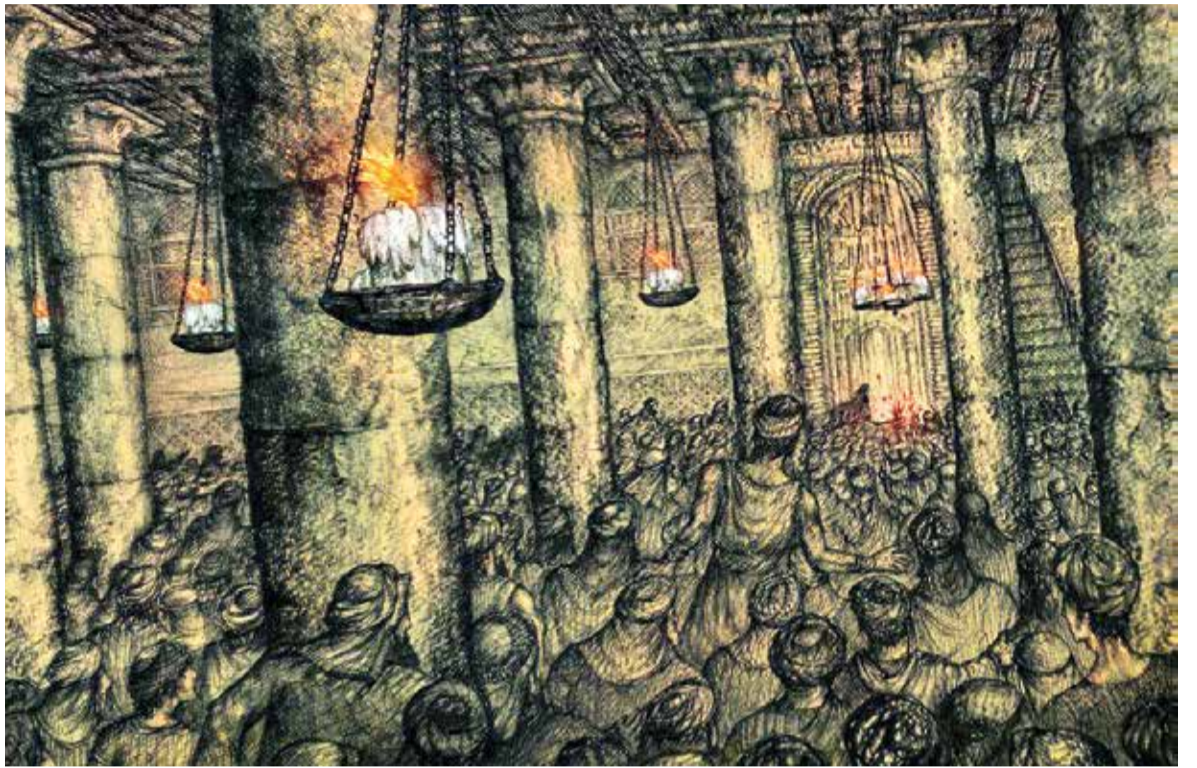
در هر کجای دنیا وقتی جنگی رخ می‌دهد، اغلب مدتی بعد از فروکش کردن جنگ‌ها هنرمندان یا به عرصه می‌گذارند برای ثبت وقایع جنگ. هر کس هر هنری دارد به کار می‌بندد برای ثبت رشادتها و شکست‌ها و پیروزی‌ها و تلخکامی‌های بی‌شمار جنگ‌ها و افرادی که در آن دخیل بودند. جنگ هشت ساله‌ای که در کشور ما رخ داد نیز از این قاعده مستثنا نبود، گرچه در زمینه ادبیات، خیلی از کتاب‌هایی که از خاطرات افراد مؤثر در جنگ منتشر شد، رنگ و بوی تقدس افراطی گرفتند یا اگر هم خاطرات آن افراد در کتاب‌ها به دور از جهت‌گیری‌ها نوشته شده، فاقد عنصر «هنر» و «ظرافت و تکنیک ادبی» بوده است.

یزدانی خرم اما در «خون‌خورده» با ماجرای پسری از امروز تهران در بهشت زهرا، بالای سر مزار پنج برادر، روایتش را شروع می‌کند و بی‌خواننده بی‌اینکه بفهمد و بی‌اینکه رد زمانی ماجراها را گم کند، می‌افتد در دل زندگی‌های پنج برادر که هر کدام به طریقی سرنوشت‌شان گره خورده به جنگ و اتفاقات سیاسی اجتماعی دهه شصت ایران. آنجایی که روح‌اند، نشسته‌اند بر فراز شهر و جهان و بالای سر خواننده و روایت‌شان گریبان صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌گیرد و خواننده را همراه تردیدهای صلاح‌الدین در بزنگاه مهم تاریخی‌اش می‌کند. ظرافت و پیچش‌های ادبی و هنری این اثر بسیار است و مجال این یادداشت کوتاه، چیزهایی را از دست داده‌اید اگر کتاب را نخوانده‌اید!

گام بردارید چاره‌ای ندارید جز اینکه تولید کرده و از تولیدها، آسیب‌زدایی کنید و بدون مزد و سپس متواضع باشید، حتی اگر فحش بخورید!» صفایی در این کتاب، ابتدا اهداف حکومت دینی را به تفصیل بیان کرده، سپس با اشاراتی به سخنان حضرت ابوتراب در نهج‌البلاغه، به بیان مشکلات حاکمیت ایشان می‌پردازد. نویسنده در این بخش از کتاب، ابتدا حقوق متقابل امام بر مردم و مردم بر امام را بیان می‌کند و ویژگی‌های باران بی‌وفا و باوفای ایشان و حتی یاران آخرالزمانی را برمی‌شمرد. او در ادامه به مشکلات حکومت دینی به فرض انحراف می‌پردازد و برای این بخش، در دوره‌هایی مختلف به حاکمیت ابوبکر، عمر و عثمان اشاره می‌کند و دلایل انحراف آنان و حکومت‌هایشان را جزء به جزء برآیمان بازگو می‌کند.

اما شاید آنچه برای من و شمایی مخاطب جالب‌تر باشد، همان بخش سوم کتاب است، آنجا که به بررسی مشکلات حکومت دینی بر فرض اجرای سالم ولی ضعیف می‌پردازد. «این مشکلات که جدای از مشکلات در فرض انحراف از مسیر است، برخاسته از تنگ‌چشمی یا بی‌طرفیتی یا خستگی یا غفلت یا بی‌توجهی به عوامل دیگر است... امروز بارها و مسئولیت‌ها همه بر دوش ما قرار دارد. بحث این نیست که کارها به چه کسانی تفویض شده است؛ چرا که «کلکم راع و کلکم عن رعیت» بحث در این است که شما در برابر دشمن چه می‌کنید؟ چگونه زمینه فرصت‌ها را از او می‌گیرید و چگونه به دوستانی که می‌توانند، فرصت می‌دهید. اساس حرف همین است و گرنه همیشه می‌شود مشکل را به دیگری بست، شیطان کار خودش را می‌کند، دشمن کار خودش را می‌کند، من چه کنم؟» و آنچه که خواننده این کتاب را لذتبخش می‌کند، ارجاع به سخنان فرزند ابوطالب و وصی نبی (ص) است. نویسنده در بخش سوم کتاب، مشکلات حکومت‌های دینی سالم اما ضعیف را یکی یکی شرح می‌دهد، مشکلاتی که در حاکمیت کشور خودمان نیز کم و بیش با آن روبه‌رو هستیم. «ما همیشه یک نوع برخورد داریم، درحالی که مشکلات متنوع‌اند، حرف‌ها متنوع‌اند، مکرها متنوع‌اند، ولی حرف‌های ما، کارهای ما همه یک‌جور و قابل پیش‌بینی است، حتی دوست را خسته می‌کند تا چه رسد به دشمن که او را می‌خنداند. اساسی‌ترین حرف این است که ما خیال نکنیم اگر کسی خوب بود تا آخر خوب می‌ماند.»

صفایی در کنار بیان این مشکلات، مسیر عبور از این مشکلات را نیز برآیمان آورده است، مسیری که باز هم برگرفته از سخنان حضرت علی(ع) است و برای مصونیت از انحرافات باید به آنها جنگ انداخت.



شما در برابر دشمن چه می‌کنید؟

نهج‌البلاغه و حکومت‌های دینی

طاهره راهی خبرنگار

نگاه

علی صفایی حائری که با عنوان عین‌صاد مشهور است، از کسانی است که به بررسی نهج‌البلاغه با محوریت مشکلات زمان آن حضرت پرداخته و مجموع این بررسی‌ها، با عنوان «مشکلات حکومت دینی» در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات لیلۃ‌القدر چاپ و منتشر شده است. سخنرانی‌هایی که در سه حوزه با عناوین بررسی مشکلات حکومت دینی بر فرض حاکمیت معصومی چون علی بن ابی‌طالب(ع)، بررسی مشکلات حکومت دینی با فرض انحراف از سنت معصوم و گرفتار شدن به بدعت و بررسی مشکلات حکومت دینی بر فرض حاکمیت سالم ولی ضعیف، اشاره می‌کند.

نویسنده که برای بسیاری از کتابخوانان نامی آشناست، فرزند مرحوم شیخ عباس صفایی حائری است، در سال ۱۳۳۰ در قم متولد شده، در سن سیزده‌سالگی شروع به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم کرد، در کمتر از چهارسال دروس سطح حوزه را به اتمام رسانده و با استفاده از محضر اساتیدی چون حجت‌الاسلام فشارکی، آیت‌الله موسوی تبریزی، شیخ جعفر سبحانی و افرادی دیگر توانسته در جوانی به درجه اجتهاد برسد.

او نه تنها به دروس حوزوی، که با ادبیات نیز آشنا بوده و همزمان

با شروع حوزه، به مطالعه سریع، دقیق و وسیع ادبیات معاصر و داستان‌نویسی پرداخته، چنانچه خود گفته: «شاید سیزده ساله بودم که داستان‌های صادق هدایت را تمام کردم.» شاید به همین دلیل باشد که او در نوشته‌هایش با زبانی شیرین و خواندنی و البته بسیار روان، توانسته مفاهیم دینی را برای مخاطبانش بیان کند، کتاب‌هایی که مناسب مخاطبان در سنین مختلف است. یکی از همین کتاب‌ها «مشکلات حکومت دینی» است. کتابی که مکمل درس‌هایی از انقلاب و از معرفت دینی تا حکومت دینی است و پاسخی منطقی، مستند و قوی به کسانی است که عافیت‌طلبند و تشکیل حکومت دینی در دوران غیبت را نفی می‌کنند.

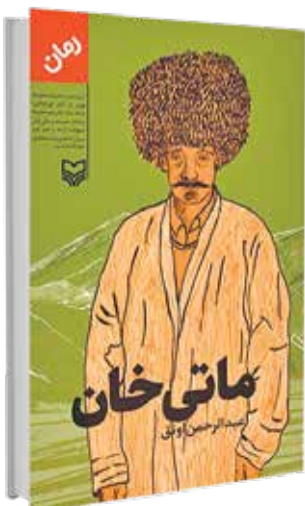
«آنجا که پذیرش جهانی برای حکومت مهدی (عج) نیست، نمی‌توان از پذیرش‌های مقطعی و منطقه‌ای چشم پوشید، بلکه باید از این امکان استفاده کرد و آنچه در برخی روایات نفی (تشکیل حکومت) شده، در جایی است که از معصوم چشم پوشیده و به خود دعوت کنیم و حال آنکه ولایت فقیه به امام علیه‌السلام دعوت می‌کند و آنچنان مسئولانه می‌نویسد که: اگر بخواهید از تشیع چیزی داشته باشید و بخواهید برای سبطه و سلطان او



شاید آنچه برای من و شمایی مخاطب جالب‌تر باشد، همان بخش سوم کتاب، آنجایی است که به بررسی مشکلات حکومت دینی بر فرض اجرای سالم ولی ضعیف می‌پردازد. این مشکلات که جدای از مشکلات در فرض انحراف از مسیر است برخاسته از تنگ‌چشمی یا بی‌طرفیتی یا غفلت یا بی‌توجهی به عوامل دیگر است

...خواننده بی‌اینکه بفهمد و بی‌اینکه رد زمانی ماجراها را گم کند، می‌افتد در دل زندگی‌های پنج برادر که هر کدام به طریقی سرنوشت‌شان گره خورده به جنگ و اتفاقات سیاسی اجتماعی دهه شصت ایران...

رمان را که می‌خوانی حسی می‌کنی تکلیف خیلی از شخصیت‌ها نامشخص است و همین پایان کتاب را ناچسب می‌کند. مخصوصاً اگر تجربه خواندن قصه ترکمن‌ها را از نادر ابراهیمی و آتش بدون دودش داشته باشی حسی می‌کنی یک کپی ناقص و پریشان از اوست



می‌خوانی حسی می‌کنی تکلیف خیلی از شخصیت‌ها نامشخص است و همین پایان کتاب را ناچسب می‌کند. مخصوصاً اگر تجربه خواندن قصه ترکمن‌ها را از نادر ابراهیمی و آتش بدون دودش داشته باشی حسی می‌کنی یک کپی ناقص و پریشان از اوست فارغ از اینکه قلم ابراهیمی را دوست داشته باشی یا نه. ماتی‌خان را انتشارات سوره‌مهر در ۴۱۵ صفحه منتشر کرده است که به نظر اگر آن را در زانر نوجوان به بازار می‌فرستاد از لحاظ فنی، محتوا و نوع داستان‌گویی مقبولیت بیشتری پیدا می‌کرد.

داشته است. رمان ماتی‌خان را عبدالرحمن اونق نوشته. نویسنده پراوازه ترکمن. او که قصه دلآوری مردمی را در مقابل قانون کشف حجاب از پدربزرگش شنیده، آن را به صورت رمان ماتی‌خان به تحریر درآورده است. اما این تمام رمان نیست. اونق با اینکه قلم مقبولی دارد و قصه هم خوانش روانی دارد اما نتوانسته پایان‌بندی مناسبی با آغاز قصه بیآورد. انگار فقط رسالتی داشته تا این قصه را هرچو شده تعریف کند. آنقدر آغاز و میانه را کش داده که دیگر برای پایانش زمانی نداشته و فقط تماش کرد. رمان را که

کشف حجاب باشد. قانونی که با تمام حیثیت و اعتقاد و حیا و نجابت مردم ایران در تضاد بود. چه دخترکان پاک و معصومی که به خاطر نگر داشتن روسری روی سرشان قربانی شدند و چه کانونی از خانواده‌ها که ناپود شد. تجدید دیو سیاهی بود که آمده بود غیرت مردان ایران را ببلعد و دامن زنان را سیاه کند. اما بیشتر از همه جوامع سنتی و مقیدتر آسیب دیدند و از همه بیشتر هم همین جوامع جلوی استبداد و زورگویی کشف حجاب ایستادند. قانون پوشش در همه حکومت‌ها برای مردم ایران مهم بوده و قابلیت اعتراضات بزرگ را

ماتی‌خان روش‌اش با حکومت مداراست. او حد وسط را می‌گیرد تا تکند گزکی دست دولت بدهد برای آشوب و به هم ریختن آرامش مردمش. ناگهان حکومت تصمیم می‌گیرد متجدد شود و این تجدید را به همه شهرها و آبادی‌های کشور، همه کوچه پس‌کوچه‌ها و حتی چادر عشایر و گدگمه ترکمن‌ها هم بکشد. حالا امنیه‌ها و دولتی‌ها وارد صحرا شده‌اند و چشم به روسری دختران و ناموس مردان ترکمن دوخته‌اند. حالا ماتی‌خان باید روش‌اش را تغییر دهد. شاید یکی از سیاه‌ترین دوران حکومت پهلوی در ایران، دوره

ماتی‌خان مردی ترکمن است، ریش‌سفید آبادی. رضاخان پس از سلطنت تصمیم به سرکوب و استقرار قبایل ترکمن گرفته است. ماتی‌خان سال‌های جوانی‌اش با سالدات‌های بی‌غیرت روس جنگیده و نگذاشته پای کثیف وزن‌بارة و بی‌وی گند مشروب‌شان به این طرف مرز، به پاک‌ی صحرا و دخترکانش، صدمه‌ای بزند.

گردباد غیرت ترکمن صحرا

یادداشتی بر رمان ماتی‌خان

مهدیه جاهد طاهرانی خبرنگار

ادبیات مقاومت